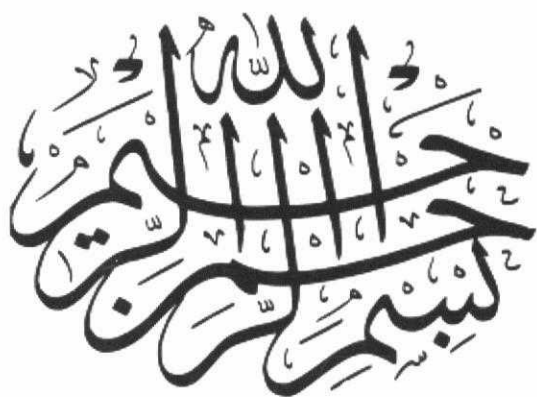




www.Ketab.ir

تقديم به:

ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام

و

ابوالقرب، علیدار و عموی مظلوم دشت کربلا

آقا ابوالفضل العباس علیهما السلام

سخن آشنا

و اما اسم کتاب، برگرفته از رَجَز یکی از شهدای برجسته کربلا، عابس بن ابی شیب شاکری است. عابس کسی است که امیرالمؤمنین علی (ع) در حق او فرمود: «لَوْ تَمَّتْ عِدَّتُهُمْ أَلْفًا لَعَبَدَ اللَّهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ»؛ اگر تعداد قبیله بنی شاکر به هزار نفر می‌رسید، حق عبادت خدا به جا آورده می‌شد [ابصار العین فی انصار الحسین (ع)، ص ۱۲۷ به نقل از ویکی‌شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام].

عباس در روز عاشورا مکرر فریاد می‌زد و مبارز می‌طلبید و کسی جرأت نمی‌کرد به میدان او برود. هنگامی که عباس دید هیچ فردی برای مبارزه با وی جلو نمی‌آید زره از تن بیرون کرد و کلاه‌خود از سر برداشت و فریاد و رجز «حُبُّ الْحُسَيْنِ (ع) أَجَنِّي»؛^۱ محبت حسین (ع) مرا مجنون کرده است سر داد و کسی را یارای مقابله با او نبود و در آخر صدها نفر او را سنگباران کردند.

و عزیزانی در جزیره مجنون، میعادگاه و محل عروج هزاران شهید گلگون کفن از این مرز و بوم به شهادت رسیدند که یکی از آنها عموی عزیز نویسنده حاج محمدرضا است که مجنون‌وار و عباس‌وار با فریاد «حُبُّ الْحُسَيْنِ (ع) أَجَنِّي» شربت شهادت نوشید و مهرداد عزیز چه زیبا اسمی انتخاب کرد و پیوند دو حماسه عاشورا و دفاع مقدس را با این انتخاب، نیکو گرداند و چه تلفیق شاعرانه و عاشقانه‌ای.

آری! شهید حاج محمدرضا علیجانی خَلَقًا و خُلُقًا با صلابت عباس‌وار و عابس‌وار پا در عرصه‌ی نبرد با دشمن تا بن دندان مسلح گذاشته و در این راه شربت شهادت نوشید. بنده به سهم خودم (به عنوان کوچکترین رزمنده دفاع مقدس) این کار را ارج نهاده و به برادر و نور چشممان مهرداد علیجانی تبریک و خدا قوت عرض نموده و سر تعظیم در برابر این جوان ولایت‌مدار و فرهیخته و فرهنگی فرود می‌آورم که با خلق این اثر، گامی دیگر در زنده‌نگاهداشتن نام و یاد و خاطرات شهدای عزیزمان برداشته است.

قاسم رضایی

۱. بنابر برخی نقل‌ها: «حُبُّ الْحُسَيْنِ جَنِّي».

مجنون در جزیره

مهرداد علیجانی

سرشناسه: علیجانی، مهرداد، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور: مجنون در جزیره / نویسنده مهرداد علیجانی؛ شعر امین قلیخانی.
مشخصات نشر: قم: فرشتگان فردا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۰۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۱۰-۳۳-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: علیجانی، محمدرضا، ۱۳۳۵-۱۳۶۲.
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: -- Persian fiction ۲۰th century
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان
موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Fiction -- Martyrs --
شناسه افزوده: قلی‌خانی، امین، ۱۳۶۶-
رده‌بندی کنگره: ۸۳۵۴PIR
رده‌بندی دیویی: ۶۲/۸۱۳۳
شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۲۴۹۶



مجنون در جزیره

نویسنده: مهرداد علیجانی

شعر: امین قلیخانی

تایپ: زهرا عبدالله‌بیگی

ناشر: فرشتگان فردا

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب

نوبت و سال چاپ: اول، ۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۱۰-۳۳-۹

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

استفاده از تمام یا قسمتی از مطالب این کتاب (به صورت صوتی، نمایشنامه، فیلمنامه، نقل و ترجمه و ...) مشروط به اجازه‌ی کتبی نویسنده است.

ارتباط با نویسنده در اینستاگرام: @Mehrdad_3131

دفتر مرکزی: استان قم، خیابان شهدا، کوچه بیگدلی، کوچه ۲۰، پلاک ۲
 دفتر نمایندگی: استان تهران، شهرستان دماوند، فرهنگسرای کوثر، طبقه سوم
 تلفن مرکز پخش: ۰۲۱۷۶۳۳۲۷۳۰ - ۰۹۱۲۷۵۱۱۲۴۵

پیشگفتار

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾

محمدرضا علیجانی در خانواده‌ای مذهبی، در محیطی آرام و به دور از هیاهوی شهرها ولی آکنده از ظلم ستم‌شاهی، در دامنه پر شکوه و قامت سرافراشته دماوند، در فصل شکوفایی شکوفه‌ها، در دامن مادری فداکار از پیروان فاطمه زهرا علیها السلام چشم به جهان گشود و در مدت ۲۷ سال عمر با عزت خود، غیر از نام نیک، چیز دیگری باقی نگذاشت.

اکنون که توفیق یافته‌ام تا بعد از گذشت حدود سه سال تلاش، پرس و جو، مصاحبه و تحقیق از مظلوم‌ترین عموی دنیای با زیباترین احساسم بنویسم، بر خود لازم می‌دانم از همه‌ی اساتید و بزرگانی که در جمع‌آوری و نوشتن این مجموعه کمک حال حقیر بوده‌اند، مخصوصاً از حاج مهدی ملایی عزیز که پا به پای بنده برای این اثر وقت گذاشتند، صمیمانه تشکر نمایم.

شایسته است از مشوق و همراه اصلی خود یعنی همسر - سرکار خانم زهرا عبدالله بیگی - کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم و دعا می‌کنم همیشه و همیشه زیر پرچم سیدالشهدا علیه السلام چنین فکرها و ایده‌های ماندگار را ارائه دهند. شایان ذکر است تمامی عناوین داستان‌ها برگرفته از نام فیلم‌های سینمایی در ژانر دفاع مقدس است.

ثواب این اثر را هدیه می‌کنم به روح پاک شهدای شهرستان دماوند علی‌الخصوص شهید والامقام فریدون کریمایی که به راستی چراغ راه شب تاریک ما بودند.

عبدالله التوفیق
دی ماه ۱۳۹۸

مهرداد علیجانی (ادریس)

فهرست

سخن آشنا.....	۴
مقدمه حجت الاسلام و المسلمین شیخ حمید مشهدی آقای.....	۱۱
مجنون نامه.....	۱۴
زنگ اول.....	۱۵
بوسیدن روی ماه.....	۱۷
پایان کودکی.....	۲۰
بزرگ مردِ کوچک.....	۲۲
پروانه‌ای در مه.....	۲۴
نیمه گمشده.....	۲۶
مجنون نامه.....	۲۸
پیش‌تازان فتح.....	۳۰
راه افتخار.....	۳۳
مردی از جنس بلور.....	۳۶
۱- خودسازی.....	۳۶
۲- نماز.....	۳۷
۳- مسواک زدن.....	۳۷
۴- امر به معروف.....	۳۸
مجنون نامه.....	۳۹
قارچ سمّی.....	۴۱

۴۵.....	عصر روز دهم.....
۴۸.....	مردی شبیه باران.....
۵۱.....	پُل آزادی.....
۵۳.....	تله روباه.....
۵۸.....	هشت و نیم شب.....
۶۳.....	مجنون نامه.....
۶۵.....	همه با هم.....
۶۷.....	دوئل.....
۷۰.....	بهار در پاییز.....
۷۵.....	روزهای زندگی.....
۷۹.....	میم مثل مادر.....
۸۲.....	مجنون نامه.....
۸۳.....	حکایت عاشقی.....
۸۷.....	عشق بدون مرز.....
۹۱.....	پرچمدار.....
۹۳.....	مردی که زیاد می دانست.....
۹۶.....	مجنون نامه.....
۹۷.....	پیک نیک در میدان جنگ.....
۱۰۴.....	خانه در انتظار.....
۱۰۱.....	معراجی ها.....
۱۰۷.....	مجنون نامه.....
۱۱۰.....	نجات یافتگان.....
۱۱۴.....	پاداش سکوت.....
۱۱۹.....	آری، چنین بود.....
۱۲۱.....	هدف سخت.....

۱۲۵.....	ماجرای نیمروز.....
۱۲۷.....	مجنون نامه.....
۱۲۹.....	آوای غریب.....
۱۳۴.....	عشق من، شهر من.....
۱۳۷.....	مجنون نامه.....
۱۳۸.....	بوی پیراهن یوسف.....
۱۴۲.....	پرواز روح.....
۱۵۰.....	حماسه مجنون.....
۱۵۴.....	مجنون نامه.....
۱۵۵.....	آخرین مهلت.....
۱۶۶.....	مجنون نامه.....
۱۶۸.....	ضمائم.....
۱۶۹.....	مصاحبه با آیت الله سید کاظم نورمفیدی.....
۱۷۲.....	بخشی از فرمایشات حجت الاسلام حاج علی اکبری، شهریور ماه ۱۳۹۸.....
۱۷۳.....	بخشی از فرمایشات سردار محمدی فر، تاسوعای حسینی، ۱۳۹۷.....
۱۷۴.....	بخشی از فرمایشات دکتر محمود صفری، مرداد ماه ۱۳۹۸.....
۱۷۵.....	نوشته آقای اصغر نوروزی.....
۱۷۷.....	دلنوشته‌ای تقدیم به رفیق و یار قدیمی، شهید محمد رضا علیجانی.....
۱۷۹.....	نامه‌ای به برادر شهیدم.....
۱۸۱.....	تصاویر.....
۲۰۰.....	سخن پایانی به قلم حجت الاسلام و المسلمین شیخ کاظم فتاح دماوندی.....

مقدمه حجت الاسلام و المسلمین شیخ حمید مشهدی آقایی

هو الشهید

شهادت، خیردار شدن انسان مؤمن و مجاهد از رازهای ناگفته و به مشاهده نشستن ملکوت عالم است که بدون رهایی از بند تعلقات زندگی در کوران مبارزه و جهاد و در مقابله با خصم به دست نمی آید.

شهادت، بار یافتن رزمنده‌ی جبهه حق به میهمانی عرشیان و آسمانیان و بهره‌مندی همیشگی از رزق بیکرانه‌ی رضایت حضرت محبوب است.

ما قبرستان نشینان عادات و روزمرگی‌ها را توان درک عظمت مقام و شهید و شهادت نیست وقتی خدای بزرگ ما را با «لَا تَشْعُرُونَ»^۱ خطاب می‌کند.

از نگاه قرآن، شهدا نه مرده‌اند که «بَلْ أَحْيَاءُ»^۲ و نه ناکامند که «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۳. از همین رو خدای علیم و دانا، جامعه را از گرفتاری به دو آفت بزرگ، پرهیز می‌دهد که این روزها نیز برخی شوربختان به آن گرفتارند؛ آفت «گفتارهای ناصواب» را با خطاب «لَا تَقُولُوا»^۴ سرزنش می‌کند و «افکار و اندیشه»های کوتاه‌اندیش را به نهی «وَلَا تَحْسَبَنَّ»^۵ می‌نوازد!

این است که بازماندگان همه‌ی مردمی که بازمانده از قافله‌ی شهادتند

۱. اشاره به آیه شریفه (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ)؛ و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید! [سوره بقره، آیه ۱۵۴].

۲. (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)؛ (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند [آل عمران، آیه ۱۶۹].

۳. همان.

۴. طلحه آیه ۱۵۴ سوره بقره.

۵. طلحه آیه ۱۶۹ سوره بقره.

به‌خصوص وابستگان شهیدان باید برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، دست به جهاد فرهنگی بزنند تا مشمول بشارت آسمانی شهدا شوند؛ نه از آینده‌ای که فراروی‌شان است ترسی به دل راه دهند و نه از گذشته، اندوهگین و شرمگین باشند که فرمود: **«وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»**^۱.

حَدِّثاً! ^۲ برادر عزیزمان مهرداد علیجانی را که برای انتشار عطر ایثار و شهادت، به شنیدن و کاویدن و تفحص سیره‌ی عموی مؤمن و مجاهد و متقی و شهیدشان، همت گمارد و گوهرهای گران خاطرات را از دفينه‌ی یاد یاران هم‌رمزمش بیرون کشید و با تصویرگری هنرمندانه و قلمی روان و خواندنی، آن را در اختیار ما و هم‌نسلان خود قرار داد.

این همت بلند و تعلق مقدس و عاطفه‌ی ایمانی به نام و راه و یاد شهیدان به‌ویژه شهید بزرگوار شهرمان و پاسدار انقلاب، ستودنی است؛ در حالی که بسیاری از جوانانی که عزیزشان در سالهای قبل ردای شهادت پوشیده است در پاسخ به سال و روز و تاریخ شهادت عزیزشان در می‌مانند، او به این وظیفه اهتمام ورزیده است و نه تنها خودش بلکه دیگران را نیز میهمان قصه‌های راستین شهید عزیزمان کرده است.

از این رو تلاش مهرداد عزیز، نمونه صدقه‌ی جاریه و عمل مجاهدانه و الگوبخش است که باید فرزندان و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها و بستگان و دوستان و هم‌محلی‌ها و هم‌شهریان شهیدان، از آن الهام بگیرند و فرهنگ شهیدان را تبدیل به یک جریان جاری و زلال کنند. این کاری است که به گفته‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی، کمتر از شهادت نیست.^۳

۱. (مجاهدان و شهیدان آینده)، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می‌بینند و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست و نه غمی خواهند داشت. [آل عمران، آیه ۱۷۰]
۲. چه خوب است، چه نیکوست، آفرین، خوشا.

۳. گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی‌ساله امام سجاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیهاسلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه علیهم‌السلام تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند [بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران، ۱۳۷۶/۰۲/۱۷].

شهید محمدرضا علیجانی برای من و کسانی که روزها و ماهها و سالهایی با او همراه و هم‌رزم بوده‌اند مصداق بارز مردانی است که صادقانه پای بر عهد خود گذارده و جان بر سر آن نهادند و جام وصال را از جان جانان نوشیدند که فرمود:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ...﴾^۱

محمدرضای شهید که بالیده در یک خانواده اصیل و غریق^۲ و دینی بود در طول عمر کوتاه خویش به یمن تربیت عاشورایی و به برکت حرکت در مسیر خمینی کبیر^{علیه السلام} خیلی سریع مدارج معرفت و عرفان را طی کرده بود، آن‌سان که دانش‌آموز کم‌تجربه‌ای چون من، در آن سنین، وقتی با او مواجه می‌شد در مرام و مسلک و معرفت و علم و دانشش که بیشتر جوششی بود تا کوششی، به شگفتی می‌نگریست و دل در گرو محبتش می‌نهاد و این نبود جز این که او ابتدا یک معلم و مربی خودساخته و مهذب بود و به آن چه که می‌اندیشید و بر زبان می‌آورد، خود پای‌بند بود؛ چیزی که در سراسر این کتاب خواندنی "مجنون در جزیره" به چشم می‌آید.

به این کار ارزشمند و ستودنی به دیده‌ی تحسین می‌نگرم و همت و تلاش همه کسانی که در این مسیر نورانی با جناب آقای مهرداد علیجانی، همراهی کردند می‌ستایم.

باشد که نام و یاد و راه و اندیشه‌ی تابناک محمدرضای گرامی و دوست و برادر و پسرخاله‌ی عزیزش، شهید پاک‌باخته، سردار مجتبی کربلایی‌مهدی و همه‌ی شهیدان و امام شهیدان دلهایمان را برای همیشه کربلایی نگاه دارد و به عاشورای حسینی پیوند دهد.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۸۳۸>

۱. در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) ... [سوره احزاب، آیه ۲۳].

۲. مرد صاحب عرق و اصل در کرم.

مجنون نامه

که از او زنده گشته روزگارم
چراغ راه و علام الغیوب است
ز جام ساقی و وحدت پرستی
به قلبی زار و چشمی خیس گوید
که کل عمر بودند در تکاپو
که گوید قصه ها از خاک ایران
همان شوری که در این سرزمین است
که نورش جلوه می بخشد بر این جان
که گر دانی جهانت را بسازی
که تو بازپچه اش بودی و هستی
تمام جلوه های نفس، رامش
تجلی کرد بر آن آزاده انسان
دمادم راه حق در هر شفق یافت
به وقت رفتنش هم یا حسین علیه السلام گفت
و نامش است "مجنون در جزیره"
قلم در وصف او مسرور باشد
شده تا گوید ده ها حکایت
که از دنیا ندیدند جز رهایی
نگینی در دل تاریخ ایران

به نام نامی پروردگارم
خداوندی که ستار العیوب است
سخن ها گویمت از شور مستی
در اینجا قصه ای "ادریس" گوید
از آزادی مردان خداجو
بشو همراه "ادریس" سخن دان
سراسر قصه اش شور آفرین است
سراسر شور و عشق نور و ایمان
در اینجا گویدت "ادریس" رازی
ز بازی های این گردون هستی
از آنی که "محمد" بود نامش
به وقت نوجوانی، نور یزدان
سپس فصل جوانی، راه حق یافت
در آخر دعوت حق را پذیرفت
کتابی که قلم را گشته چیره
تمامش وصف عشق و نور باشد
سه سال از عمر، صرف این روایت
حکایت های مردان خدایی
"علیجانی" شهید راه ایمان